



فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

سال سوم، شماره ۶، بهار ۱۳۹۹

www.qpjjournal.ir

ISSN : 2645-6478

در احوال و آثار جعفر شهری (شهری باف)

مسعود معظمی گودرزی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۱۲/۱۱

چکیده

«جعفر شهری» (شهری باف) نویسنده و پژوهشگر فرهنگ و ادبیات عامه و روایتگر تاریخ اجتماعی تهران در یک قرن اخیر است. وی از آنجا که شخصیتی کمتر شناخته شده به‌ویژه در میان عموم جامعه است؛ معرفی آثار و کارهای برجسته‌ای که در طول حیات خویش انجام داده است نه تنها به شناخت بهتر او بلکه به شناخت بخشی از تاریخ ادبیات شفاهی و عامه مردم در دوره معاصر کمک می‌کند. در این راه از آثار خود او اعم از کتب داستانی و غیرداستانی و نیز مصاحبه‌ها و گفتگوهای که وی در زمان حیاتش انجام داده و مقالاتی که از او و دیگر پژوهشگران در حوزه‌ی فعالیت او در مجلات و نشریات مختلف چاپ شده، بهره گرفته شده است. هم‌چنین از منابع مختلف در موضوعات داستان‌نویسی، ادبیات عامه و شفاهی مردم تهران قدیم، آداب و رسوم و سبک زندگی آنها، استفاده شده است. بررسی آثار «شهری» و تحلیل شیوه نویسنده‌گی وی، دست‌یافتن به سبک زندگی و آداب و رسوم بخشی از جامعه ایرانی است که هرچند مدت زیادی از آن سپری نشده است، رفته رفته از خاطره‌ها محو و به دست فراموشی سپرده می‌شود. یکی از یافته‌های این پژوهش می‌تواند آشتی دادن نسل جدید با شیوه زندگی مردم تهران در یک قرن اخیر باشد. دیگر اینکه راهنمای مناسبی برای کسانی است که در حوزه تهران‌پژوهی و ادبیات عامیانه معاصر فعالیت می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: جعفر شهری، طهران قدیم، داستان، ادبیات عامه، تاریخ اجتماعی

فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

^۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، کرج، ایران. moazami.27@gmail.com



۱. مقدمه

تاریخ ادبیات ایران مزین به نام مشاهیری است که از دیرباز تاکنون در حافظه مردم این سرزمین نقش بسته‌اند. بسیاری از آثار بزرگان ادب فارسی در خاطر مردم چنان ثبت شده است که پاک کردن آن از یادها غیرممکن می‌نماید. اگر چه ما بیشترین تأثیر ادبی را از بزرگانی چون فردوسی، حافظ، سعدی، مولوی، خیام، سنائی، نظامی، عطار و ... پذیرفته‌ایم؛ ولی نمی‌توانیم نقش شاعرانی چون عنصری، انوری، خاقانی، عراقی، خواجه‌ی کرمانی، وحشی بافقی و دیگران را در عرصه ادبیات این سرزمین کهن انکار کنیم و به دست فراموشی بسپاریم. در ادبیات معاصر نیز چه نظم و چه نثر کسانی هستند که با وجود اینکه آثار برجسته‌ای دارند، ولی چنان که باید و شاید شناخته نشده‌اند و حق مطلب در مورد ایشان ادا نشده است. جای شگفتی است که مجهول و مغفول ماندن آثار ایشان، محدود به مردم عادی و عموم جامعه نیست؛ بلکه بخشی از جامعه ادبی و اهل مطالعه نیز با آثار این شاعران و نویسندگان توانا بیگانه‌اند. «جعفر شهری» (شهری‌باف) از جمله همین نویسندگان غریبی است که معرفی آن و شناخت آثارش به‌ویژه برای کسانی که با وی و آثارش بیگانه‌اند، خالی از فایده نیست. شناخت وی، شناخت نوعی از روایت است که برگرفته از ادبیات عامه و زبان کوچه و بازار مردم تهران در طی یک قرن اخیر است.

۱-۱. هدف پژوهش

هدف از ارائه این مقاله علاوه بر معرفی کوتاه و اجمالی این نویسنده معاصر، تحلیل و بررسی و مروری بر آثار مختلف ایشان می‌باشد. امید است ضمن آشنایی با شیوه نویسنده‌گی و روایتگری او، گامی هر چند کوچک در معرفی یکی از چهره‌های تقریباً فراموش شده فرهنگ و ادب این سرزمین برداشته شود.

۱-۲. روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی به مطالعه موردی درباره آثار و تألیفات جعفر شهری می‌پردازد. در این راه ضمن تحلیل و بررسی کتاب‌های وی، از کتاب‌های مختلف و مرتبط با موضوع، همچنین مقالات، دانشنامه‌ها، نقل‌قول‌ها و مصاحبه‌های منتشر شده از نویسنده در زمان حیاتش استفاده شده است.

۲. زندگی‌نامه جعفر شهری

«جعفر شهری» با نام کامل «جعفر شهری‌باف» داستان‌نویس، پژوهشگر فرهنگ عامه و تاریخ‌نگار اجتماعی معاصر که خود را «شعرباف»، «شعری‌باف» نیز نامیده است؛ در سال ۱۲۹۳ هجری شمسی و در آستانه جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ میلادی) در محله عودلاجان تهران و در خانواده‌ای تنگدست به دنیا آمد.

شهری دوران کودکی را در فقر و رنج و نداری و تهیدستی گذراند و همین مسأله و نیز اذیت و آزاری که از مدیر و معلم و اهالی مدرسه دید، وی را از مدرسه بیزار و از ادامه تحصیل محروم کرد. وی در خاطراتش می‌نویسد:



«از مدرسه بدم می‌آمد و از آن می‌ترسیدم. از بس آزار و اذیت مدیر و ناظم و معلم دیده بودم، بیرون آمدن از آن برایم موهبتی به شمار آمده بود. هر روز یا لنگ کاغذ و قلم و مداد و دفتر و کتاب بودم، یا ماهانه‌ام نرسیده بود که زیر چوب و فلک می‌افتادم. همیشه پشت دستم باد کرده و پشت ناخن‌هایم سیاه بود، از بس چوب خورده بود.» (شهری، ۱۳۷۲: ۱۳۶)

این نویسنده در مقابل ارادت و علاقه‌ای که به مادرش دارد و همواره در خلال داستان‌هایش از وی تعریف و تمجید می‌کند، تصویری سراسر نفرت و زشتی از پدرش نشان می‌دهد. در یازده سالگی که پدر و مادرش از هم جدا می‌شوند، به ناچار مجبور می‌شود با مادر بزرگش زندگی کند و برای امرار معاش و گذران زندگی در انواع شغل و پیشه‌های گوناگون مشغول به کار می‌شود و از هر کس چیزی می‌آموزد. از کار در مغازه ریخته‌گری گرفته تا کار در خیاطی و دلاکی و قصابی و بزازی و بقالی و نجاری و لوله‌کشی و کارگاه نقاشی و... همه و همه مشاغل است که وی در هر کدام از آنها تجربه کسب می‌کند تا جایی که خود دانشنامه زنده‌ای از اصناف و پیشه‌های مختلف می‌شود.

وی با تجربه کردن انواع مشاغل مختلف سعی در امرار معاش و گذراندن زندگی‌اش داشت. «شهری با دست زدن به هر کار و پیشه و فن، و تن‌دردادن به شاگردی در دکان هر کس و ناکس، به مهارت‌هایی دست یافت و با همت و پشتکار سرمایه‌ای اندوخت و خود را از شاگردی به استادی و از زندگی در محله فقیرنشین عودلاجان و محلی در نزدیک میدان سرقبرآقا، به زندگی در سعدآباد تجریش، محله کاخ‌نشینان رساند.» (بلوکباشی، ۱۳۹۱، ج ۴: ۳۲۰) در تمام سال‌هایی که مجبور به کارکردن برای گذران زندگی بود، شوق به مطالعه و آموختن در وجودش خاموش نشد و سعی کرد از کمترین فرصت، بیشترین استفاده را برای خواندن، نوشتن و فهمیدن ببرد. در دکان ریخته‌گری از پسر مالک دکان کتاب به امانت می‌گرفت و با همتی که داشت در نظم و نثر پیشرفت قابل توجه‌ای کرد.

«شهری بعداً در شاگردی در یک دکان دلاکی، که استادش در آن به کارهای سلمانی، رگ‌زنی، جراحی، سنت‌گری (=ختنه‌کردن) و طبابت مشغول بود، برخی از معارف ادبی و علوم را آموخت و اطلاعات پیشین خود را تکمیل کرد. او از این شغل و استادش بسیار چیزها آموخت و خاطره‌ای بسیار خوش دارد. در این کارگاه به قول او «چه درهای بسته از عالم دانش و اسرار» به رویش گشوده شد.» (همان: ۳۲۰)

«شهری» زندگی پر فراز و نشیبی دارد که ردپای جزئیات دوران کودکی، نوجوانی و میان‌سالی و حتی کهنسالی او را می‌توان به ترتیب در سه اثر داستانی‌اش یعنی «شکر تلخ»، «گزنه» و «قلم سرنوشت» دید. «جعفر شهری به خرید و فروش ملک و دلالی هم پرداخت و در طول زندگی چهار بار ازدواج کرد و صاحب هفت فرزند [چهار پسر و سه دختر] و هفده نوه و نتیجه شد.» (تقی‌زاده، ۱۳۷۸: ۸۸)



این نویسنده هفت، هشت سال آخر عمرش را با نقص بینایی و کمی مفرط دید سپری کرد و سرانجام در سحرگاه شب ششم آذرماه ۱۳۷۸ در بیمارستان تهرانپارس تهران بدرود حیات گفت و در قطعه ۸۸ بهشت زهرا (قطعه هنرمندان) به خاک سپرده شد.

تقریباً تمامی کتاب‌های منتشر شده از او به نثر و شامل آثار داستانی و غیرداستانی همچون سفرنامه، تاریخ اجتماعی تهران، ضرب‌المثل، طب سنتی و نوشته‌های دینی است. البته «او از اوان جوانی برای برخی از جراید از جمله «توفیق» با نام مستعار مطالبی می‌نوشته و همچنین با اسامی «کاشف» و «ملازم‌جعفر» نیز دو سه کتاب به چاپ رسانده.» (حدادی، ۱۳۸۳: ۳۲۱)

۳. آثار شهری

۱.۳ حاجی در فرنگ

«حاجی در فرنگ» نخستین اثر «جعفر شهری» است در دو جلد که در سال ۱۳۴۴ به چاپ رسیده است و در واقع سفرنامه‌ای است در شرح سفر به مکه و اروپا که با زبانی انتقادی و طنز نوشته شده است.

روایت نویسنده از تاریخ سیزدهم اسفند ۱۳۴۳ یعنی تاریخ حرکت از تهران به سمت عراق آغاز می‌شود. وی در این کتاب دو جلدی خاطرات سفر نود روزه‌اش را به عراق، اردن، سوریه، مدینه و مکه و چند کشور اروپایی با صراحت و نکته‌بینی خاصی شرح می‌دهد. از آداب، رسوم و ویژگی‌های رفتاری مردم هر کشور سخن می‌گوید و به مقایسه آنها با ایرانیان می‌پردازد. او به بازدید از اماکن باستانی و تاریخی در طول سفرش اهمیت خاصی می‌دهد و همواره مراقب است که تصویری درخور و سزاوار از یک ایرانی اصیل از خود نشان دهد؛ البته در روایتگری خود هیچ پروایی از آشکار ساختن فکر و اندیشه درونی‌اش ندارد.

«شهری» از رفتارها و نیات کسانی که به قصد زیارت و حاجی شدن با او همسفرند، پرده برمی‌دارد و با قلمی طنزآمیز و حتی آمیخته با هجو و هزل از آنان انتقاد می‌کند. او در قسمتی از سفرنامه خود که از رفتارهای غیرمعقول و ناشایست همسفرانش به تنگ آمده، می‌نویسد: «آیا چنین مردمی از مکه چیزی می‌فهمند و حاجی برمی‌گردند؟ جز آن است که در مراجعت خوک و خنزیری هستند که از آب بیرون آمده باشند و هزار بار از اولشان نجس‌تر می‌باشند و از نوع همان حاجی خواربارفروش‌هایی می‌شوند که در خشک و تر مواد خوراکی مردم تقلب کرده، به اعتبار کلمه «حاجی» با سلامت جامعه بازی می‌کنند و یا اگر شاغل مشاغل دیگری هستند، عقرب‌های جرّاری برگشته‌اند که باید از آنها به مار غاشیه پناه برد.» (شهری، ۱۳۴۴، ج ۱: ۸۷)



شهری پس از زیارت کعبه و زمانی که به قول خودش بالاخره «حاجی» می‌شود، تصمیم می‌گیرد به اروپا نیز سفری داشته باشد. وی در طول مسافرتش به اروپا از کشورهای ترکیه، آلمان، هلند، بلژیک، فرانسه و یوگسلاوی دیدن می‌کند، ولی بیشتر وقتش را در آلمان سپری می‌کند.

جلد دوم کتاب «حاجی در فرنگ» روایت سفر اروپایی اوست. نویسنده در این سفر ضمن وقایع‌نگاری دقیق و جزئی که ویژگی نویسنده‌گی اوست؛ اصلی‌ترین هدفش از این سفر را این‌گونه بیان می‌کند: «غرض اصلی از مسافرت اروپا برای من دیدنی‌های ندیده‌ها و ضبط ذهنی فهرستی از وضع زندگی ملل مغرب زمین است و اگر در همه جا جز اندکی توقف نمی‌شود و از زوایای کوی و برزن هر مملکتی معاینه به‌عمل نمی‌آید؛ یکی از آن است که مشت نمونه خروار است و حکایت خروار از مقدار و دیگر آنکه اگر بشود پنجاه و یکی دو سال عمر را پیر نامید و خود را بتوانم در میان دنیاخوردگان صاحب‌نظر جا بزنم، می‌توانم بگویم:

آنچه در آینه جوان بیند
پیر در خشت خام آن بیند»
(همان، ج ۲: ۵۲۳)

۲.۳ شکر تلخ

اولین و مهم‌ترین اثر داستانی جعفر شهری «شکر تلخ» است که با وجود اینکه در سال ۱۳۳۷ نوشته شد ولی نویسنده تا سال ۱۳۴۷ موفق به چاپ آن نشد. این کتاب که به نوعی شرح زندگی او در دوران کودکی است، سرگذشت غم‌انگیز و پر از درد و رنج یک خانواده تهرانی در اواخر دوره قاجار است. شخصیت‌های اصلی داستان میرزاباقر (پدر خانواده)، کبری (مادر خانواده) و جواد (فرزند خانواده) می‌باشند که در واقع جلوه‌ای از پدر و مادر نویسنده و نیز خود «جعفر شهری» می‌باشند.

نویسنده در این کتاب با زبانی صریح، نکته‌سنج و حتی به‌دور از عرف و موازین اخلاقی، رفتارهای زشت و زننده و لابلالی‌گری میرزاباقر را در قبال زن و فرزندش به تصویر می‌کشد. کبری در «شکر تلخ» زنی رنج‌کشیده و مظلوم است که اسیر خشونت، هرزگی و بی‌مسئولیتی شوهری خودخواه است. «کبری همه این احوال را از میرزاباقر می‌دید و به جگر می‌ریخت و دم بر نمی‌آورد و هنوز هم هروقت پدر و مادر به جدایی تکلیفش می‌نمودند به معاذیر جوانی شوهر و اینکه سرخواهد خورد و حرف مردم و ترسِ بختِ بدتر از این؛ متوسل شده، از پذیرش آن شانه خالی می‌نمود.» (همو، ۱۳۴۷: ۲۱۴)

حسن میرعابدینی ضمن نقد و بررسی «شکر تلخ» در کتاب «صد سال داستان‌نویسی ایران» می‌گوید: «شهری به علت آشنایی گسترده‌اش با زندگی عامه مردم، وسعت واژگان و تبحر در توصیف مکان‌ها، از جهت نمایش خشونت و تیرگی حاکم بر روابط انسان‌ها در نظم سنتی و فئودالی موفق است. «شکر تلخ» هر چند به‌عنوان رمان شوری بر نمی‌انگیزد، اما در حد یک سند مردم‌شناسانه که البته با دیدی ناتورالیستی گردآوری شده، درخور توجه است.» (میرعابدینی، ۱۳۸۳: ۶۲۵)



«شهری» علاوه بر داستان زندگی‌اش، به وضعیت اسفناک جامعه آن روزگار و موضوعاتی چون فقر، بدبختی، قحطی و بیماری می‌پردازد. «شهری همه‌ی خاطرات کودکی خود از زندگی در محیط نکبت‌زده و پرتنش و آشفته‌ی خانواده و بیرون از خانه و مدرسه را با رنج‌هایی که برای گرسنگی و بی‌مه‌ری‌های پدر و محرومیت از دیدار او کشیده، هم‌چنین تمام مراقبت‌های سرشار از مهر و عاطفه و فداکاری را که از سوی مادر دیده است، با ظرافت تمام در داستان «شکر تلخ» بیان می‌کند.» (بلوکباشی، پیشین: ۲۶۸)

قلم نویسنده در این کتاب با استفاده از زبان محاوره، ضرب‌المثل و اصطلاحات عامیانه مانند عروسی آراسته و زیباست که از نجابت و وقار لازم برخوردار نیست. شاید نثر او در این اثر را بتوان با برخی هزلیات و هجویات «ایرج میرزا» مقایسه کرد. گویا او در این کتاب قصد دارد با صراحت و برهنگی هرچه تمامتر؛ فقر و فلاکت و قحطی، انحطاط و زوال جامعه، وضعیت اسفناک معیشتی مردم تهران آن روزگار، چهره و جایگاه زن در جامعه و ابتدال و تباهی اخلاقی-اجتماعی و فقر فرهنگی بخشی از جامعه را که درد و رنج ناشی از آن، تا عمق جان خودش هم نفوذ کرده؛ به تصویر بکشد.

«نصراله حدادی» در مقاله‌ای در روزنامه فتح به تاریخ ۱۶ دی‌ماه ۱۳۷۸، طنز و هزل را ویژگی قلم «شهری» دانسته و به نقل از خود او در جواب ضرورت نداشتن تکرار هزل در متن کتاب‌هایش آورده است: «چرا بازگویی نشود؟ آن قدر برخی از سیئات در پرده انجام می‌شود که بسیاری از فضائل از یاد رفته است». حدادی هم‌چنین در آنجا آورده است: «روزی شادروان علی حاتمی نزد دوستی- هوشنگ مرادی کرمانی- اظهار داشته بود: قلم بی‌نظیر جعفر شهری حیف که همه چیز را روی کاغذ روان ساخته است، ای کاش چنین نمی‌کرد.» (رک: فتح، ۱۶ دی ۱۳۷۸: ۶)

۳.۳ گزّنه

بنا به گفته علی بلوکباشی در «دانشنامه زبان و ادب پارسی»، «شهری» داستان «گزّنه» را در سال ۱۳۴۸ پدید آورد که آخرین بار در سال ۱۳۷۲ توسط انتشارات معین تجدید چاپ شد. (رک: دانشنامه زبان و ادب پارسی، ۱۳۹۱، ج ۴: ۳۲۱)

«گزّنه» در ادامه داستان «شکر تلخ»، شرح دوران نوجوانی نویسنده است که از سن یازده، دوازده سالگی او شروع می‌شود. او در گزّنه خاطرات زندگی با چندتن از زن‌باباهایش که گویا تعدادشان کم هم نبوده است، بیان می‌کند. «من زن پدرهای بسیار به خود دیده‌ام که یکی از آنها عجوزه‌ای دیگر به نام جواهرسلطان بود که از لثامت و بدذاتی نقطه‌ی مقابل این خاورخانم می‌آمد.» (شهری، ۱۳۷۲: ۲۶)

این نویسنده در سنین نوجوانی، به اجبار پدر و نامادری‌اش و برای گذران زندگی روزمره خود و خانواده‌اش کارکردن در انواع مشاغل را تجربه کرد. او که برخلاف آرزوی دیرینه مادرش از درس و مدرسه بریده، هر بار ناگزیر از آموختن حرفه و شغلی جدید بود. در هر کاری علاوه بر آموختن مهارتی، انواع و اقسام رفتارهای خوب و بد و زشت و زیبا را یاد می‌گیرد. زرگری، حلبی‌سازی، خشکه‌پزی، قصابی، کبابی، سلمانی، خانه‌شاگردی، بقالی، نقاشی



و خیاطی، بخشی از مشاغلی است که در «گزنه» از آنها نام برده و تجربه کرده است. به عنوان مثال در مقایسه دو شغل قصابی و کبابی می‌گوید: «اگر قصابی کثیف بود این کار [کبابی] به مراتب کثیف‌تر و نکبت‌بارتر از آن بود. هنوز روز دوم بود که مادرم گفت، بوی کثافات سیراب شیردانی‌ها را می‌دهم. بوی گوشت گندیده‌ها و دنبه عفونت‌گرفته‌ها از لنگ‌شانه و لباس تنم به بدنم نفوذ کرده بود. پا به دکان که می‌گذاشتم می‌گفتی به لولین‌خانه مسجد جامع که از همه‌جا متعفن‌تر بود پا گذاشته‌ام. حالم دگرگون می‌گردید و استفراغ می‌گرفت. آنجا فهمیدم حق با قصابهاست که کبابی را مبال دکان قصابی می‌دانند.» (همان: ۱۵۷)

خواننده با مطالعه این کتاب نه تنها با فراز و فرود زندگی پسر بچه‌ای رنج‌کشیده همراه می‌شود و با او هم‌ذات‌پنداری می‌کند، بلکه با انواع شغل‌ها و پیشه‌های رایج حدود یک قرن پیش آشنا می‌شود و به ویژگی هر کدام از آنها پی می‌برد. نحوه روایت نویسنده در این اثر قدری باوقارتر و متین‌تر یا بهتر بگوییم شریف‌تر از روایتگری‌اش در «شکرتلخ» می‌باشد.

۴.۳ انسیه خانم

«نسیه خانم» تنها مجموعه داستان کوتاه «جعفر شهری» است که در سال ۱۳۴۹ به چاپ رسیده است. این کتاب شامل چهار داستان کوتاه با عنوان‌های «انسیه خانم»، «اسدالله-حاجی اسدالله»، «طلب مغفرت» و «ختم‌مراد» است. این کتاب گونه‌ای طنز تلخ اجتماعی با چهار موضوع متفاوت است که نویسنده در آن به کمک بیان خاص خود و استفاده از تکیه‌کلام‌های مردم کوچه و بازار، جملات عامیانه، زبان محاوره و روایت طنزگونه‌اش؛ نگاهی انتقادی به برخی رفتارهای ناپسند و ناشی از سادگی، جهالت، اوهم و خرافه‌پرستی دارد.

نویسنده در این کتاب هم مانند «شکرتلخ» هیچ‌گونه قید و بند و ملاحظه‌ای در استفاده از کلمات ندارد و به صراحت هر واژه‌ای را که در نهانگاه فکر و خیالش پرورده بر کاغذ جاری ساخته است. در اینجا عباراتی از داستان آخر این کتاب درباره تصورات موهوم و خرافه رایج در موضوع ناتوانی در بچه‌دار شدن و بقای نسل، آمده است: «اول از کارهای متداول چله‌بری شروع کرده، از آنجا که مردم گفته بودند: خواهرشوهر، مادرشوهرش، شب عروسی حتماً از دشمنی، مرغ‌مرده یا موش‌مرده توی اتاقش آورده‌اند؛ چله به سرش افتاده است. آب خونابه مرغ سربریده سرش ریختند. آب طهارت بچه تازه آمده به صورتش پاشیدند. حمام جهودهایش بردند. آب غسل تازه عروس به خوردش دادند. در جای زائویش خواباندند. و چون هیچ‌کدام نتیجه‌ای نداد، کارهای خودسرانه را کنار گذاشته پیش دعانویسش بردند.» (شهری، ۱۳۴۹: ۷۷)

۵.۳ حاجی دوباره

این کتاب شرح سفر دوم نویسنده به مکه است که در سال ۱۳۵۶ چاپ شده است و با این جملات آغاز می‌شود: «به امید روزی که ساحت اسلام عزیز از لوث وجود ناپاکان و منافقان و دامن روحانیون شریف از لطمه اعمال شیادان و



کلاشان روحانی لباس، تطهیر شده؛ دین حنیف و روحانیت واقعی از پس ظلمت حجاب بیرون آمده، نورافشانی بکنند...» (همو، ۱۳۵۶: ۲)

با این پیش‌گفتار کوتاه، ناگفته پیداست که هدف نویسنده از نگارش این کتاب، نقد و خرده‌گرفتن بر کسانی است که از دیانت و شریعت‌مداری، به ظاهر و صورت آن بسنده می‌کنند و از هدف نهایی و مقصد غایی خداپرستی و دینداری غافلند. در واقع فحوای کلام او همانند کتاب «حاجی در فرنگ» این است که صرف سفر حج و انجام اعمال و مناسک آن، دلیل بر اخلاق‌مداری و پرورش و تزکیه نفس نیست.

سفرنامه «حاجی دوباره» از روز سه‌شنبه ۲۷ اسفندماه ۱۳۵۳ و این بار برخلاف سفر پیشین با سوارشدن به هواپیما و با همراهی همسرش آغاز می‌شود. روایت شهری از حج عمره و اولویت قراردادن امور حاشیه‌ای و غیرضروری بر اصل عبادت و خودسازی، می‌تواند برای خواننده کتاب جالب باشد: «حج عمره هم مانند مشاهدرفتن، دارد افتضاحش بالا می‌آید. به قول معروف «اگر حاجی هم بود، حاجی‌های قدیم». هر گروهی‌ای که توانسته هفت هشت هزار تومان دست‌وپا بکند، به چشم و هم‌چشمی‌های خاله‌خانم‌باجی‌هایش راه افتاده و بدتر از آنها، آنهایی که خیال می‌کنی (سیدملک خاتون) می‌خواسته‌اند بروند؛ یک مشت بچه جِغَلِ بَغَل را هم دنبال خود راه انداخته، اسباب دردمررد را فراهم می‌کنند. بچه زخم و زیلی، بچه دماغی، بعضی‌هاشان هم که خیال می‌کنی ته آسمان سوراخ شده همین بچه آنها افتاده است. و از مکه این فهم و شعور را با خودشان آورده‌اند که نرسیده، هر جا که پیاده می‌شوند مثل قحطی‌زده‌ها که به انبار جو و گندم هجوم ببرند، هجوم به بازار و دکانهای آن ببرند و جل و بنجل‌های عرب‌ها را یک‌لاده‌لا پول داده بخرند.» (همان: ۸۳ و ۸۴)

۶.۳ طهران قدیم

کتاب ۵ جلدی «طهران قدیم» که اولین بار در سال ۱۳۵۷ به چاپ رسیده است، مجموعه کاملی از ویژگی‌های جغرافیایی، فهرست اماکن، بازار و مشاغل قدیمی، آداب و رسوم ملی و مذهبی، انواع سرگرمی، بازی و تفریحات رایج و معرفی انواع غذاها و شیوه آشپزی و همچنین خصوصیات دارویی و پزشکی میوه‌ها و گیاهان خوراکی مورد استفاده مردم تهران در دوره زمانی اواخر قاجار و اوایل پهلوی است.

نویسنده در این کتاب از حافظه قوی و هوش سرشار خود بهره گرفته و دانشنامه کاملی از زندگی حدود یک قرن پیش تهرانیان گرد آورده است. به گفته خود او این کتاب: «مجموعه‌ای مستخرج از دیده‌ها و شنیده‌ها و محفوظات و ملموسات خویش، از طهران طفولیت، طهران قبل از ظهور پهلوی، اطلاعاتی تنها قائم به ذات خود حقیر با اصالت و بکارت و صداقت تمام، بدون قرض و مدد و کمک و شریک و درپوزه از این و آن [است]». (همو، ۱۳۷۱: ۸)

شاید بتوان این کتاب را منسجم‌ترین و مفصل‌ترین مرجع اطلاعات اجتماعی تهران در گذشته نزدیک دانست. او این کتاب را اثری مستقل از کتاب «تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم» می‌داند و معتقد است: «جهت رفع



شبهه از عزیزانی که مطالعه نکرده، کتاب پنج جلدی حاضر را با کتاب شش جلدی تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم اینجانب؛ به خاطر تشابه اسمشان نسخه‌ی مثل هم فرض بکنند به عرض برسانم، که نه چنین بوده که هر یک مستقل و جدای از هم می‌باشد. تنها در این رابطه که در عین انفکاک، مکمل هم بوده و چون به هم پیوست شوند در مباحث تهران دایره‌المعارف کاملی می‌شوند.» (همان: ۹)

عباس میلانی درباره‌ی این کتاب می‌گوید: «طهران قدیم گشت و گذاری است در یک دکان سمساری پر از عتیقه‌های دیدنی و پراهمیت که بی هیچ نظم و ترتیبی در کنار هم قرار گرفته‌اند. می‌توان در هر صفحه‌ای از کتاب جداگانه درنگ کرد و لذت برد و در عین حال دریغ خورد که اگر نظمی بیشتر در کار بود، بهره‌ی بیشتری بر می‌توانستیم گرفت.» (میلانی، ۱۳۸۵: ۱۵۵ و ۱۵۶)

در اینجا به موضوعات هر مجلد اشاره کوتاهی می‌شود:

جلد اول: کتاب «طهران قدیم» با شرح وسعت جغرافیایی تهران آن روزگار و بیان مرزهای شرقی و غربی و شمالی و جنوبی آن آغاز می‌شود. از محله‌ها و دروازه‌ها و خندق‌های اطراف تهران و نیز طبقات مختلف مردم ساکن در هر محله و منطقه بحث می‌شود. معرفی خیابان‌ها، اداره‌ها، اماکنی چون قلعه‌ها، عمارت‌ها، کاخ‌ها، انواع بازارها، مشاغل و پیشه‌ها، زورخانه‌ها، مکتب‌خانه، کارخانه‌های اولیه و تازه تأسیس و بافت‌های مختلف شهر تهران از دیگر مطالب آن است. شرح و تفصیل اولین اتومبیل‌ها و وسایل نقلیه عمومی، اولین سینماها، آوازه‌خوان‌ها و هنرمندان، اماکن و مشاغل دولتی و حکومتی و برخی افراد مشهور نیک و بد نیز در آنجا آمده است. قسمت‌های پایانی این جلد درباره‌ی انواع حمام و خزینه‌های آن روزگار و هم‌چنین آداب و رسوم و عقاید مختلف در مورد استحمام است:

«این نیز سنتی پسندیده در میان حمامی‌ها بود که پول آب یعنی اجرت طهارت و غسل را بر زبان نمی‌آوردند و آن‌را به اختیار مشتری می‌گذاشتند و کم و زیاد آن را دقیق نمی‌شدند؛ از آن جهت که مبادا کسی آب لازمش بوده یعنی غسل داشته پولش را نداشته باشد و چه بسیار که تابلو یا تابلوهایی نیز در داخل و بیرون حمام به این مضمون (غسل فقرا مجانی می‌باشد) می‌آویختند.» (شهری، ۱۳۷۱، ج ۱: ۵۱۴)

البته نویسندگان در لابلای عنوان‌ها و مطالب اصلی کتاب، به آوردن داستان، حکایت، ضرب‌المثل و خاطره به فراخور موضوع می‌پردازد. این ویژگی نه تنها در جلد اول بلکه در مجلدات دیگر کتاب نیز به چشم می‌خورد.

جلد دوم: «شهری» ابتدای کتاب را با شرح «کمیسری» که مکانی شبیه کلانتری امروزی بوده و وظیفه حفاظت و پاسبانی و ایجاد امنیت و آرامش را بر عهده داشته است، آغاز می‌کند. سپس به معرفی مساجد و شرایط مسجدسازی می‌پردازد. در ادامه از دسته‌های مطرب و انواع نمایش‌های رایج در مراسم مختلف، نام می‌برد. او در این مجلد نیز از اماکنی چون کاروانسرا، آب‌انبار، قهوه‌خانه و اموری مثل سلمانی، نقالی، شعرخوانی، نقره‌فروشی، مسگری، زرگری، صحافی و چاپ، دوخته‌فروشی، بزازی یاد می‌کند. انواع آبگوشت و دیزی و مغازه‌های دیزی‌پزی را معرفی می‌کند. تعداد دیگری از بازارهای آن روزگار را شرح داده و درباره وضعیت طب و طبابت و دارو و درمان مطالبی را بیان می‌کند.



این کتاب شرح مفصلی دربارهٔ درویش و درویشی دارد. وضعیت عزاداری و انواع مراسم مرتبط با آن در ایام محرم از مهم‌ترین فصول آن به‌شمار می‌رود. نویسنده در این کتاب توصیف جالبی از ماده‌ی مخدر «تریاک» و «تریاک» دارد. (رک. شهری، ۱۳۷۱، ج ۲: ۲۵۰-۲۵۶)

جلد سوم: این مجلد با آداب و آئین برگزاری مراسم مختلف مذهبی در ماه‌های ربیع‌الاول و ربیع‌الثانی و توصیف آداب و رسوم خواستگاری، عقد و ازدواج تا بارداری و زایمان شروع می‌شود. پس از آن جزئیات آداب ماه‌های جمادی‌الاول، جمادی‌الآخر، رجب و شعبان آمده است. وضعیت ساختمان و ساختمان‌سازی در تهران قدیم و بررسی اجزای مختلف ساختمان‌های آن دوره تاریخی از دیگر مطالب این جلد است. او دربارهٔ تامین آب و آب‌رسانی به تهران و معرفی گورستان‌ها و قبور اموات و آئین تشییع، ترحیم و خاکسپاری مردگان فصول جداگانه‌ای نوشته است. در این جلد شرح مکان‌های تفریحی و تفرجگاه‌های تهران در آن روزها و نیز چندین نمونه از تفریحات و سرگرمی مردم آمده است. مفصل‌ترین بخش این مجلد دربارهٔ آداب و رسوم، دعا و نیایش، تغذیه در افطار و سحر و ... در ماه مبارک رمضان است.

جلد چهارم: در ادامهٔ موضوعات جلد سوم، آداب و رسوم ماه‌های شوال، ذی‌القعدة و ذی‌الحجه آمده است. نویسنده دربارهٔ نام‌گذاری ماه‌های عربی و بروج دوازده‌گانه فلکی و نام ماه‌ها و سال‌های فارسی و معرفی حروف ابجد مطالب آموزنده‌ای دارد. (رک: همان، ج ۴: ۳۴-۵۰)

جشن باستانی نوروز و چگونگی برگزاری مراسم سال نو در تهران یکی از مفصل‌ترین توضیحات این مجلد است. نویسنده در بخشی با عنوان «علوم غریبه» از عقاید مرسوم و متداولی چون رمالی، فال‌بینی، روضه‌خوانی، جن‌گیری، آئینه‌بینی، قلیان‌گردانی و تعبیر خواب پرده برمی‌دارد. در جایی دیگر از باورها و سنن و عقاید خرافی که در زندگی روزمره مردم جریان دارد، سخن می‌گوید. وی هم‌چنین دربارهٔ چگونگی تربیت اطفال و گذراندن اوقات شبانه‌روز توسط مردمان یک قرن پیش از این در تهران مطالب جالبی بیان می‌کند. از نحوهٔ پوشش مردان و زنان گرفته تا چگونگی گذران زندگی، کسب و کار، داد و ستد، قصه‌گویی‌های شبانه، روابط و مهمانی‌ها، شرایط عیادت و ملاقات، انواع تعصبات، مقررات موجر و مستأجر، آداب زیارت و سفر و ... ؛ هیچ‌چیز از نگاه دقیق و نکته‌سنج او پوشیده نمانده است.

جلد پنجم: آخرین جلد از این کتاب از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول آن یک دستور و راهنمای کامل و دقیق آشپزی از انواع غذاهای تهرانی است که برخی از آن‌ها هنوز هم با حفظ ارزش و اصالت خود مورد استفاده قرار می‌گیرند. اما بخش دوم آن که یک مرجع درمانی و دارویی به‌شمار می‌رود، دربردارندهٔ خواص مواد غذایی و خوراکی‌های گوناگون در درمان انواع بیماری‌هاست. خواننده با مطالعهٔ آخرین جلد از این کتاب، علاوه بر هنر نویسندگی «شهری» به اطلاعات آشپزی و پزشکی وی نیز پی برده و بر قدرت حافظه و استعداد کم‌نظیر او صحنه می‌گذارد.



به جز جلد پنجم این کتاب، در سایر مجلدات؛ نظم و ترتیب مطالب به درستی رعایت نشده است. به عنوان مثال با وجود اینکه نویسنده درباره انواع بازارها و مشاغل در جلد اول به تفصیل صحبت کرده است، بار دیگر در جلدهای بعدی بویژه جلد دوم به توضیح چند شغل دیگر می‌پردازد، که با اندک بازبینی می‌شد این گونه ایرادات را برطرف کرد تا خواننده بیش از پیش از مطالعه کتاب بهره‌مند شود. در بعضی قسمت‌ها نیز گریز و حاشیه نویسنده از مطلبی به مطلب دیگر، ممکن است ذهن خواننده را با آشفتگی مواجه نماید.

۷.۳ تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم

اولین چاپ از این کتاب در سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ به بازار آمد. این کتاب یک دوره شش جلدی برگرفته از فرهنگ و روابط اجتماعی و شیوه کسب و کار مردم تهران در قرن سیزدهم است و به عبارتی «دانشنامه‌ای است از مکانها، حرفه‌ها و اصناف مردم تهران در قرن سیزدهم بر اساس خاطرات و مشاهدات هفتادساله نویسنده. این کتاب گسترش یافته کتاب «گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی تهران قدیم» است که در سال ۱۳۵۷ به بازار عرضه شد.» (اشرف، ۱۳۷۴: ۳۶۸)

این اثر هر چند شباهت‌هایی با کتاب طهران قدیم دارد ولی اثری مستقل است که جنبه‌های سرشماری و آماری در آن پررنگ‌تر است. به عبارتی این کتاب با ارائه مستندات بیشتر به جنبه‌های مختلف زندگی و کسب‌وکار مردم تهران در حدود یک قرن پیش از این می‌پردازد. «فصل‌بندی کتاب و عناوین اصلی و فرعی آن از آغاز تا پایان همانند قالب و چهارچوب فهرست مطالب در احصائیه سال ۱۳۰۱ بلدیة تهران است.» (اشرف، ۱۳۷۴: ۳۷۱)

یکی از انگیزه‌های نویسنده از نگارش این کتاب بررسی سرشماری نفوس مردم تهران در سال‌های ۱۲۶۲، ۱۲۷۰، ۱۳۰۱ و ۱۳۱۱ و آشنا کردن خواننده با کتاب احصائیه بلدیة تهران است. ویژگی بارز این کتاب استفاده از عکس‌های جذاب و مرتبط با هر موضوع است که تصویر ذهنی مخاطب درباره جامعه آن روز تهران را پرورش می‌دهد. بررسی تهران از نظر آمار و ارقام، آشنایی با جغرافیا و اماکن و معرفی مشاغل و فضای کسب‌وکار و حرف گوناگون از جمله مطالب آن است. وی بیش از ۵۰۰ شغل را در این کتاب معرفی می‌کند. بخشی از جلد آخر این کتاب به معرفی مشاغل کاذب و غیراخلاقی مثل دزدی، جیب‌بری، تن‌فروشی، دلالی زن و مرد، باج‌گیری و ... می‌پردازد.

۸.۳ قند و نمک

«قند و نمک» مجموعه‌ای از ضرب‌المثل‌های تهرانی به زبان محاوره است که اولین بار در سال ۱۳۷۰ منتشر شد. این کتاب به نوعی کامل‌کننده زحمات «شهری» در تحقیق و پژوهش ادبیات عامه و روایتگری‌اش درباره تهران است. نویسنده به گمان خود پس از مجموعه «تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم»، حرف ناگفته‌ای درباره تهران باقی نگذاشته است. او در سفری که برای معالجه چشم همسرش و دیدار با فرزند، عروس و نوه‌اش به انگلستان می‌رود به طور اتفاقی و سر میز شام فکر جمع‌آوری ضرب‌المثل‌های تهرانی به ذهنش خطور می‌کند. وی



می‌گوید: «عروسم به تعارف گفت: بیخشید آگا(آقا) اگر غذا بد شده است؛ جواب دادم: خیلی هم خوب شده است. آدم گرسنه سنگ هم باشد می‌خورد، این که غذا می‌باشد. برای فهم جمله آخرم اندکی به فکر فرورفته‌ام: زبان فارسی چه جملات و ضرب‌المثل‌های شیرینی دارد!... با شنیدن اظهار نظر و حسن‌ظنش درباره زبان و کلمات فارسی به خود گفتم: جمله‌ای به این سادگی و پیش‌پاافتادگی که این‌گونه توجه‌شان جلب بکند، اگر بینات و محکاماتمان بشنود چه اثری بر روی او خواهد گذارد؟!» (شهری، ۱۳۸۲: ۹ و ۱۰)

«شهری» با به کار بردن چند ضرب‌المثل و تفکر در اینکه با به کار بردن جملات کوتاه و موجز چه معانی بدیع و مفصلی می‌توان از آن فهمید، به ضرورت گردآوری و چاپ مجموعه ضرب‌المثل‌های تهران پی برد. «و در اینجا بود که گم کرده خود یافته، گفتم همان را که از مطالب تهران می‌دیدم به جا مانده، نیآورده‌ام؛ ضرب‌المثل‌هایش می‌باشد.» (همان: ۱۱)

وی به کمک حافظه قوی و تجربیات فراوانی که در طول سال‌ها زندگی و نویسندگی در حال و هوای تهران به دست آورده بود؛ با رعایت ترتیب و تقدّم حروف الفبا، در مدت کوتاهی صدها مطلب و ضرب‌المثل زشت و زیبا را یادداشت کرد. البته ضرب‌المثل‌های گردآمده توسط او مشترکاتی نیز با ضرب‌المثل‌های متداول و مرسوم در سایر مناطق ایران دارد که به تعبیر خودش «آن‌چه رو به رکاکه و هزل داشته باشد، ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات تهرانی‌ها و آن‌چه که نداشته یا رقیق‌تر داشته باشد، به نسبت دوری و نزدیکی‌شان به پایتخت؛ زشتی‌شان دورتر و نزدیک‌تر به آنها می‌باشد. چه پایتخت مسکن و مأوای سلاطین و بزرگان و تأثیر حرکات و افعالشان بر روی مردم زیادتر و وقتی لذت‌بخش‌ترین اوقات حیات ایشان زمانی باشد که با دلک و مسخره و هرزه‌درای و فسقه فجره سروکار داشته؛ حرکات سخیفشان دیده و سخنان عنیفشان استماع بکنند. به هر اندازه که آن زشت و رکیک قوی‌تر و موهن‌تر، به همان مقدار شادتر و سردماغ‌تر بشوند، مردم نیز تبعیت بکنند.» (همان: ۱۲)

نویسنده مطالب و ضرب‌المثل‌های کتاب را سه قسمت می‌داند که عبارتند از: ۱- قسمتی اصیل که متولد شده تهران و ساخته خود تهرانی‌هاست. ۲- آنهایی که از بیرون و اطراف تهران وارد شده و رنگ‌وبوی تهرانی شدن گرفته‌اند. ۳- آنهایی که کتابی و ادیبانه‌اند و توسط اهالی علم و کتاب بیان شده‌اند و زبان رسمی و فاخری دارند. (رک: همان: ۱۲)

در اینجا چند ضرب‌المثل از این کتاب که به نظر می‌رسد به جهت نوع زبان، از همان ضرب‌المثل‌های اصیل تهرانی باشد، به عنوان نمونه آمده است:

«آب تو هونگ نکوفتم، زیر سیبیلشو نروفتم!» : در جواب کسی که بپرسد دعویاتان بر سر چه بود؟ غالباً حرف زن در شکوه از مرد در گفتگوی با هم‌صحبت یا کس و کار.» (همان: ۱۷)

«این نون خوردن به ریش جنبوندنش نمیرزه.» در سرخوردگی از زندگی و دنیا، در آن حد که برای ماندن در او ارزش جویدن نان به خود نپذیرد.» (همان: ۱۱۲)



«با این ریش میری تجریش!»: توجه دادن به عدم تناسب وضع و حال و سرمایه و مثل آن، برای کسی در برابر کاری که در نظر گرفته است.» (همان: ۱۱۶)

«تهرون جائیه که رستم توش گرزشو گرو یه نون سنگگ گذوش»: دامن گیری خاک تهران و گرفتار شدن در آن.» (همان: ۲۲۲)

«خونه ممدلی خان از یه جرقه آتیش گرفت»: نظر به وقوع حوادث بزرگ که از اتفاق بی اهمیت بوده است.» (همان: ۲۹۵)

«ز بعد هفتاد، یه برفی افتاد به حق این پیر، به قدّ این تیر»: حرف برفی که زمانی بعد از هفتاد روز از نوروز گذشته در تهران باریده به مقدار قامت بلندی تیری شده بود. مقصود از پیر، مقبره (پیرعطا) در محله ی کلیمی ها و تیر آن دستکی که برای آویختن چراغ کنار در آن نصب شده بود.» (همان: ۳۵۰)

۹.۳ قلم سرنوشت

«قلم سرنوشت» آخرین اثر «جعفر شهری» است که چاپ اول آن در اسفندماه ۱۳۷۸ توسط انتشارات معین پس از مرگ نویسنده به بازار عرضه شد. این کتاب اگرچه اثر مستقلی است، ولی در واقع آخرین جلد از داستان های سه گانه زندگی نویسنده پس از شکر تلخ (شرح دوران کودکی) و گزنه (شرح دوران نوجوانی) است. این کتاب روایت زندگی او در دوران میانسالی است. او در این کتاب نیز مانند «شکر تلخ» و «گزنه» از مادرش به نیکی یاد می کند. از سختی ها و رنج هایی که مادرش کشیده و از فداکاری و ایثارش سخن می گوید. از آرزو هایی می گوید که مادر برای فرزندش در سر می پرورانده ولی به کمترین آنها قناعت می کند. از تقی خان شوهر مادرش که پس از میرزاباقر-پدر بی مسئولیتش- با مادرش ازدواج می کند. تقی خان مردی بود دوشخصیته که گاهی با مهر و عطوفت و گاهی با قساوت و خشونت با وی رفتار می کرده است. «شهری» برای رفاه و آسایش مادرش و فرار از نیش و کنایه و بد رفتاری شوهر مادرش مدتی را با مادر بزرگش سپری می کند؛ البته به این شرط که روزی دو قران خرج خانه بدهد.

در بخشی از این کتاب آمده است: «آمدن مادر بزرگ فرجی بود که در کار مادرم پیدا شده از طرف من خیالش راحت می شد، و از طرف خود نیز که بهانه جویی های شوهرش که از جلو چشمش دور می شدم؛ به آخر می رسید و به این خاطر هم از خداوند که دعایش را مستجاب کرده، تشکر می نمود.» (شهری، ۱۳۷۸: ۳۵ و ۳۶)

«قلم سرنوشت» حکایت زندگی نویسنده و خاطرات اندوهبار و تلخ و به ندرت شیرین و پر از رنج و زحمت او در عنفوان جوانی و سپس میانسالی است. وی خاطرات کار کردن در شغل ها و پیشه های مختلف به منظور کسب درآمد و تلاش برای مستقل شدن در گذراندن امور زندگی خود را در این کتاب بیان کرده است. وی از خاطرات خدمت سربازی و اجباری رفتن هم سخن به میان آورده است. توضیحاتی درباره ارتباط و آمد و رفت با میرزاباقر و زندگی و



زن‌های جدیدش ارائه می‌دهد. نویسنده در این کتاب به ماجرای عاشق‌شدن و ازدواج‌هایش می‌پردازد. وی در انتهای کتاب از ازدواج چهارم و همسر آخرش برخلاف ازدواج‌های قبلی که ناشی از خامی، جوانی و بی‌فکری او بوده است، به نیکی یاد می‌کند. او مرگ غم‌انگیز مادر را به عنوان یکی از حوادث ناگوار زندگی‌اش این‌گونه توصیف می‌کند: «جان‌کندی با بدترین نوع شکنجه که گفتمی روزگار هنوز مصیبت‌های سی‌ونه ساله را برایش کافی ندیده، می‌خواسته تکمیل بکند.» (همان: ۵۱۷)

فارغ از قصه‌گویی جذاب و خواندنی او؛ به‌کاربردن به‌جا و مناسب از واژگان و اصطلاحات مردم کوچه و بازار، استفاده از زبان محاوره و عامه‌پسند و نیز کاربرد فراوان لطایف‌نغز و شیرین و ضرب‌المثل‌های به‌موقع و فراخور موضوع از ویژگی‌های بارز نویسندگی او در این کتاب است. در بخشی از کتاب استفاده فراوان و متوالی او از ضرب‌المثل‌ها، مثال‌زدنی است: «گفتم از قدیم گفته‌اند خر لختو، پالونشو ورمیدارن؟! یا کف دستی که مو نداره بگیر بکن! یا به‌قولی من می‌گم نره، تو می‌گی بدوش! آدم باید قد گلیمش پاشو دراز بکنه.» (همان: ۳۵۶)

۱۰.۳ دیگر آثار

به‌جز کتاب‌هایی که در اینجا از «جعفر شهری» معرفی و بررسی شد، وی آثار چاپ‌شده و چاپ‌نشده دیگری نیز دارد که به دلایل مختلف و چه بسا مبهم، به آسانی در اختیار علاقه‌مندان قرار نگرفته است. حال آنکه سخن ما از آثار نویسنده‌ای است که از مرگش تنها دو دهه می‌گذرد. از جمله کتب چاپ‌شده او عبارتند از: «گفتار ملاًم جعفر» که جنگ و طنزگونه‌ای مشتمل بر نظم و نثر است؛ مجموعه‌ای منظوم با عنوان «بیوگرافی من»؛ «هدیه کاشف» مجموعه‌ای اجتماعی و انتقادی به نظم؛ «اعجاز طب و درمان» در طب قدیم؛ «حکیم خانواده» در خواص خوراکی‌ها و بهداشت؛ «تحفه کاشف» که آن هم در موضوع طب نوشته شده و کتاب «علی(ع)» که ترجمه و شرح سخنان حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه است.

بسیاری از این آثار قبل از پیروزی انقلاب اسلامی چاپ و منتشر شده و در حال حاضر دسترسی به همه آن‌ها قدری دشوار است. لازم به یادآوری است که در پایان کتاب «حاجی دوباره» به مجموعه‌ای از آثار در دست چاپ نویسنده اشاره شده؛ که با توجه به نوع فعالیت و حوزه‌ی کاری او، در انتساب برخی از آثار به او محل تردید و ابهام است و دیگر اینکه نسخه منتشر شده‌ای از آنها یافت نشد. (ر.ک: شهری، ۱۳۵۶، بی‌نا، بی‌جا: ۲۸۸)

فهرست دیگر آثار «شهری» عبارت است از:

- ۱- «علم قیافه»: در علم فراست و شناخت علائم صورت
- ۲- «پیامبر آخرین»: زندگانی خاتم‌الانبیاء
- ۳- «خانقاه»: رباعیات
- ۴- «با ادبیات»: قطعات منظوم و مفردات فکاهی و انتقادی
- ۵- «آشپزی تهرانی»: غذاهای تهرانی



۴. نتیجه گیری

«جعفر شهری» در حوزه ادبیات داستانی و غیرداستانی آثاری دارد که به صورت مختصر در این مقاله معرفی شد. کتاب‌های «شکر تلخ»، «گزنه»، «نسیه خانم» و «قلم سرنوشت»، که مجموعه داستان‌های او هستند؛ همگی به زبان محاوره و به نوعی عامه‌پسند هستند. هرچند که شاید نتوان آثار داستانی او را در زمره‌ی شاهکارهای داستانی ادبیات معاصر دانست؛ اما با مطالعه‌ی آنها به ویژگی‌هایی از رفتار و ساختار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و چه‌بسا سیاسی برهه‌ای از تاریخ معاصر پی می‌بریم.

با این‌که روایت وی از تهران و مردم آن است؛ ولی تصوّر و دورنمای کلی از جامعه بحران‌زده ایران در اواخر دوره قاجار و استقرار حکومت پهلوی در خلال داستان‌سرایی او قابل درک و فهم است. به نظر می‌رسد شیوه نویسندگی او در بخش‌هایی از داستان‌هایش شباهت زیادی به نوشته‌های جمال‌زاده دارد. این شباهت ممکن است از نظر نوع زبان به کاررفته، استفاده از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات عامیانه و به کار بردن شوخی و طنز در نوشته‌هایش باشد. او بیشتر به یک قصه‌گو و راوی سنتی شباهت دارد که گاهی داستان در داستان می‌آورد و گاهی زبان به پند و اندرز می‌گشاید و از روند داستان‌پردازی به عبرت‌آموزی می‌رسد. وی گاهی در بیان قصه از چارچوب اخلاقی و عرف رایج در جامعه خارج می‌شود و عریان، رک و بی‌پرده به ذکر جزئیات وقایع می‌پردازد. هر چه به آثار متأخر و جدیدتر او می‌رسیم، نحوه‌ی بیان و زبان نوشتاری او و جاهت و وقار بیشتری می‌یابد و به نظر می‌رسد از پرده‌داری و صراحت و برهنگی سابقش کاسته می‌شود که احتمالاً نقش فرهنگ جامعه و ممیزی‌های انتشار کتاب در این زمینه بی‌تأثیر نیست. وی از میان داستان‌هایش «شکر تلخ» را عاشقانه دوست دارد که به‌راستی از نظر زیبایی قصه و جذابیت از سایر داستان‌هایش متمایزتر و البته تلخ‌تر و تأثیرگذارتر است.

آثار غیرداستانی جعفر شهری نیز خود بر چند نوع‌اند که بیشتر معرفی شده‌اند. از این میان کتاب‌های «طهران قدیم» و «تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم» از نظر نگاه دقیق و نکته‌بین و جزئی‌نگر به تاریخ اجتماعی، فرهنگی تهران در حدود یک قرن پیش و معرفی همه‌جانبه آن کم‌نظیر است. فارغ از هرگونه کم و کاستی در نگارش؛ اینگونه شرح تفصیلی و جامع با تأکید بر جزئی‌نگاری در توصیف جغرافیا، آداب و رسوم، معرفی مشاغل و ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی؛ سبک زندگی و مفاهیمی از این دست قابل احترام است.

در جلد آخر کتاب «طهران قدیم» به دانش و هنر آشپزی او و دستور و چگونگی طبخ غذاهای رایج در تهران در طول یک قرن اخیر پی می‌بریم. در همان‌جا متوجه آگاهی و شناخت او از خواص درمانی میوه‌ها، گیاهان و مواد غذایی می‌شویم که قبلاً هم در بخش‌هایی از کتاب‌های «عجاز طب و درمان»، «حکیم خانواده» و «تحفه کاشف» به آنها اشاره کرده است. گونه‌ای از سفرنامه‌نویسی و وقایع‌نگاری ساده و عامیانه با زبانی انتقادی را در کتاب‌های «حاجی در فرنگ» و «حاجی دوباره» ارائه کرده است. نوشته‌هایی با محوریت دینی و اعتقادی درباره حضرت محمد(ص) و امام علی(ع) دارد. در لابه‌لای آثارش به بخشی از توانایی او در سرودن شعر پی می‌بریم. وی چه در



مصاحبه‌هایش و چه در کتاب‌هایش، گاه مستقیم و گاه غیرمستقیم از عشق و ارادتش نسبت به «سعدی» سخن گفته است و با آوردن ابیاتی به عنوان شاهد بر این علاقه تأکید کرده است.

بیشتر آثار او حاصل تجربیات شخصی و زندگی روزمره است و از ذهن خلاق و پویا و حافظه قوی و سرشارش نشأت می‌گیرد. نکته دیگری که درباره وی قابل ذکر است، اطلاعات عمومی و جانبی اوست. او در چندین زمینه متنوع و متفاوت مطلب نوشته و اظهار نظر کرده است. سادگی و بی‌پیرایگی زبان داستان‌های نویسنده از ویژگی‌های سبکی اوست که در آثار غیرداستانی او هم نمود دارد.

اگر چه داستان‌نویسی او در مقایسه با آثار طراز اول داستانی در دوره معاصر از جایگاه و اعتبار ویژه‌ای برخوردار نیست؛ ولی به طور کلی و با در نظر گرفتن مجموعه آثار این نویسنده، نمی‌توان نقش وی را در ثبت و ضبط و معرفی فرهنگ بومی تهران و زبان مردم کوچه و بازار نادیده گرفت.



منابع

- آرین پور، یحیی (۱۳۷۹). از صبا تا نیما، چپ هفتم، تهران: زوآر.
- اشرف، احمد (۱۳۷۴). «تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم»، کلک، شماره ۶۱-۶۴.
- بلوکباشی، علی (۱۳۹۱). دانشنامه زبان و ادب فارسی به سرپرستی اسماعیل سعادت، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- تقی‌زاده، صفدر (۱۳۷۸). «یادی از جعفر شهری، راوی تهران قدیم»، دنیای سخن، شماره ۸۸.
- حدادی، نصرالله (۱۳۷۸). «میراث جعفرشهری ماده‌ی خام تاریخ اجتماعی ایران»، روزنامه فتح، ۱۶ دی.
- _____ (۱۳۸۳). «طهران شهری و تهران پاکزاد»، بخارا، شماره ۳۵.
- شهری، جعفر (۱۳۴۴). حاجی در فرنگ، بی‌نا، بی‌جا.
- _____ (۱۳۴۷). شکر تلخ، تهران: چاپ روز.
- _____ (۱۳۴۹). انسیه خانم، تهران: خزر.
- _____ (۱۳۵۶). حاجی دوباره، بی‌جا بی‌نا.
- _____ (۱۳۷۱). طهران قدیم، چاپ سوم، تهران: معین.
- _____ (۱۳۷۲). گزنه، چاپ دوم، تهران: معین-پروین.
- _____ (۱۳۷۴). «دو کتاب ۵ جلدی و ۶ جلدی درباره تهران قدیم را به کمک حافظه‌ام نوشته‌ام» (گفتگو با جعفر شهری)، گردون، سال ۶، شماره ۵۱.
- _____ (۱۳۷۸ الف). تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، چاپ سوم، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- _____ (۱۳۷۸ ب). قلم سرنوشت، تهران: معین.
- _____ (۱۳۸۲). قند و نمک، تهران: معین.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۸۳). صد سال داستان‌نویسی ایران، تهران: چشمه.
- میلانی، عباس (۱۳۸۵). تجدد و تجدیدستیزی در ایران، تهران: اختران.



In the moods and works of Jafar Shahri (Shahribaf)

Masoud Moazami Goodarzi¹

Abstract

Jafar Shahri (Shahribaf) is the author and researcher of public culture and literature and narrator of Tehran's social history in a century ago. Since he is a less well-known personality, especially among the general public, the introduction of outstanding works that he has done throughout his life will help – not only better his knowledge- but also the recognition of a part of the history of oral literature and the general public the contemporary era. In this way it used his own works, including fiction and nonfiction, as well as the interview and discussion he conducted during his lifetime as well as articles published by him and others researchers in his field of work in various journals and public actions. Book that have been published on various topics of fiction, public and oral literature of the old people of Tehran, their customs and lifestyles, or any source that reveals some sort of clue about the personality trait and the writing of Jafar Shahri. Examining the works of "Shahri" and analyzing his writing style, achieving lifestyle and customs are part of the Iranian society; although it has not been around for a long time, it is gradually fading from memory and being forgotten. One of the findings of this study could be the reconciliation of the new generation with the way of life of the people of Tehran in the last century. Another it is a good guide for those working in the field of contemporary research and popular literature in Tehran.

Keywords:

Jafar Shahri, Old history, public literature, social history.

¹. Master of Persian Language and Literature, Kharazmi University.karaj , Iran. Email: moazami.27@gmail.com